روزنامه جمهوری اسلامی بررسی می کند

روند نگران کننده مهاجرت

بنا به شواهد عینی در سطح جامعه و در سطح خانواده‌ها و به اذعان مراجع مرتبط، مهاجرت از کشور طی سال‌های اخیر سیر صعودی گرفته و بسیاری از افراد، با انگیزه‌های گوناگون، جلای وطن کرده وبه کشورهای مختلف مهاجرت می‌کنند. مهاجرت به این شکل، باهر انگیزه‌ای که باشد یک معضل است و فرد مهاجر را دچار رنج و محنت می‌کند. عمده این مهاجرین دوست ندارند وطن، زادگاه، فرهنگ و خانواده خودرا رها کرده و در یک سرزمین غریبه مأوی گزینند. این مهاجرت‌ها خسران سنگینی نیز به کشور وارد می‌سازد زیرا عمده افراد متقاضی مهاجرت از مدارک تحصیلی بالا و تجربه‌های فنی و تخصصی برخوردارند که کشور برای آنها هزینه زیادی کرده است یا از نیروی کار جوان هستند که برای ساختن، کشور نیازمند آنهاست.

***مهاجرت از کشور طی سال‌های اخیر سیر صعودی گرفته و بسیاری از افراد، با انگیزه‌های گوناگون، جلای وطن کرده وبه کشورهای مختلف مهاجرت می‌کنند**

این گزارش سعی دارد زاویه‌های پنهان این معضل را بازبینی کند تاهشداری باشدشاید مسئولان مربوطه برای حل آن ترغیب شوند.

در این سال‌ها آنهایی که پول، سواد و تجربه داشتند، به بهانه کار و تحصیل کشور را ترک کردند و آنهایی که نه پول چندانی داشتند و نه تحصیلات بالایی راه‌های پرخطر دیگری را انتخاب کردند تا از طریق آن بلکه بتوانند پناهندگی بگیرند؛ مهاجرتی که به گفته آنهایی که رفتند بسیار هزینه‌بر و دردناک است. بهرام صلواتی، رئیس رصدخانه مهاجرت ایران در توضیح مفصلی در این باره می‌گوید: معمولا سازمان ملل گزارش‌هایی درباره افراد گمشده منتشر می‌کند اما عدد واقعی چندبرابر این آمار است. سالانه هزاران نفر گم می‌شوند و از سرنوشت آنها خبری نیست. چون افراد از مسیرهای غیرقانونی می‌روند، مدارک شناسایی خود را از بین می‌برند. غم انگیزتر از مسیر و کانال‌های مهاجرتی معمول، مهاجرت اجباری پناه‌جویی است. درباره مهاجرت اجباری و پناه‌جویی کمتر حرف می‌شنویم. درحالی که آمارهای این نوع مهاجرت ایرانیان بالاست. اگر سالی ۵۰ هزار ویزا برای ایرانیان صادر شود، بخش قابل توجه ان، درخواست پناه‌جویی است. . صلواتی مسئله اصلی مهاجرت را مسئله اجتماعی می‌داند و بر این باور است که معضلات اجتماعی، مسئله مهم و پررنگی برای ایرانیان است. بسیاری از نخبگان و متخصصان، دغدغه‌شان پول نیست. به نظر می‌رسد نخبگان، مأیوس شده‌اند و مهاجرتشان از جنس سرخوردگی و یأس است. این ادبیات که "هرکس با ماست بماند، هرکس با ما نیست، برود" بسیار خطرناک است. اگر با همین ادبیات

***رئیس شورای هماهنگی نظام پزشکی کشور: دولت و مجلس باید با تامین شغل و درآمد مناسب و ایجاد امنیت شغلی مانع از خروج این سرمایه‌های ملی شوند**

جلو برویم، تا یک دهه آینده تعداد اندکی نخبه و متخصص در کشور باقی خواهند ماند که بتوانند با استانداردهای رایج کار کنند. بنا به پیش‌بینی رئیس رصدخانه مهاجرت ایران، سال ۱۴۰۲ احتمالا یکی از شدیدترین و وخیم‌ترین موج‌های مهاجرت را خواهیم داشت.

به گفته رئیس رصدخانه مهاجرت ایران، هم‌اکنون در یکی از فرازهای مهاجرتی قرار داریم، چنین موجی سابقه نداشته است. زمان انقلاب، شاهد حجم مهاجرتی قابل‌توجهی بودیم و بعد به فرود مهاجرتی رسیدیم. بعد از اتمام جنگ و با رشد بی‌کاری، شاهد افزایش مهاجرت‌های اقتصادی به کشورهای ژاپن و حاشیه خلیج فارس بودیم. حوادث سال ۸۸ موجب شد یک فراز مهاجرتی جدید را تجربه کنیم که از جنس مهاجرت تحصیل‌کرده‌ها و متخصصان بود. بعد از سال ۸۸، دوباره یک فرود مهاجرتی داشتیم. موج مهاجرتی با همه‌گیری کرونا و توقف جابه‌جایی‌های بین‌المللی در دنیا هم‌زمان شد. فنر مهاجرت دائما درحال فشرده‌شدن بود تا اینکه دوره کرونا تاحدود زیادی کنترل شد و هم‌اکنون با توجه به شرایط فعلی کشور، این فنر باز شده است. شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کاملا متحول شده و پیش‌بینی این است که درحال نزدیک‌شدن به یکی دیگر از قله‌های مهاجرتی هستیم. برآوردی نداریم که چقدر روی این قله خواهیم ماند اما می‌دانیم این فراز مهاجرتی بی‌سابقه است و در چند دهه گذشته، حتی بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده است.

افزایش نیروهای دافعی در داخل و کششی در خارج

به گفته این کارشناس، امروز دلایل اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی، فرهنگی و سیاسی بر همدیگر منطبق شده‌اند. شاهد حضور نیروهای دافعی و رانشی در داخل کشور و نیروهای کششی و جاذبه‌ای خارج از کشور هستیم. وقتی این حالت اتفاق بیفتد، موضوع فقط مهاجرت گسترده یا محدود یک طبقه خاص (استعدادهای برتر و نخبگان) نیست، دسته‌های مختلف مردم در صنف‌های مختلف مهاجرت می‌کنند.

نکته بعدی این است که ما فضای مهاجرت را به‌صورت جهانی ببینیم. اگر ما برای سرمایه انسانی خیلی ارزش قائل نیستیم، کشورهای دیگر ارزش قائلند. هنوز حاضر نیستیم به این سؤال اساسی جامعه پاسخ بدهیم که قصد داریم برای اشتغال، رفاه و شادبودن چه کنیم، این مسئله‌ای است که درحال‌حاضر با آن مواجه هستیم. برای این سرمایه‌های انسانی

***بعد از تصویب برجام یعنی در سال‌های ۹۵ و ۹۶ ما موج بازگشت متخصصان را داشتیم و حتی میزان درخواست مهاجرت‌های پناه‌جویی کاهش یافت**

چند دهه برنامه‌ریزی شده است. هم‌اکنون اگر می‌بینید مهاجرت به ترکیه، امارات، قطر، عربستان، عمان، آلمان، اتریش و کانادا زیاد شده به این علت است که آنها برنامه‌های متنوعی برای جذب سرمایه‌های انسانی دارند.

هر مهاجری به خارج از کشور می‌رود به‌عنوان یک پل ارتباطی برای دیگران عمل می‌کند و این حلقه بعدی است. مهاجران از فرصت‌های خارج از کشور صحبت می‌کنند و از این طریق افراد مختلف آگاه می‌شوند.

در چهار دهه گذشته نگرانی ازبابت مهاجرت نخبگان بوده و بیشتر دل‌نگرانی‌ها در رابطه با استعدادهای برتر بوده است. این نگرانی هم درست بود. اما هم‌اکنون شرایطی به وجود آمده که نخبه ورزشی و متخصصان حوزه‌های دیگر هم علاقه‌مند به مهاجرت شده‌اند. تا دو سال پیش عوامل اقتصادی باعث مهاجرت بود. هم‌اکنون بی‌ثباتی اجتماعی و یأس و ناامیدی، بیشتر از عوامل اقتصادی تأثیرگذارند. در شرایط امروز عوامل سیاسی هم اضافه شده‌اند. " بهای نیروی انسانی" در ایران، به علت نوسانات ارزی و دلایل دیگر(که فقط به عوامل اقتصادی محدود نمی‌شوند) ارزان شده است، در نتیجه بعضی از متخصصان به‌سادگی در بازار کار کشورهای همسایه جذب می‌شوند.

جنبه نگران‌کننده مهاجرت

مهاجرت ذاتا، هم می‌تواند خوب باشد هم بد. چیزی که باعث می‌شود مهاجرت‌ها نگران‌کننده باشد، مواجهه جامعه و کشور با این پدیده است. نکته کلیدی این است که برنامه‌ای برای بازگرداندن مهاجرین به کشور وجودندارد. حتی برای آمار مهاجرت هیچ نهادی پیش‌قدم نمی‌شود و کمک نمی‌کند که اصلا مشخص شود وضعیت مهاجرتمان چطور است.

"صلواتی "کارشناس موضوع مهاجرت دراین باره توضیح می‌دهد: اصلا نمی‌دانیم، جمعیت ایرانیان خارج از کشور چقدر است که آنها را متصل نگه داریم. به سطح حمایت حقوقی ما از ایرانیان خارج از کشور نگاه کنید! اگر یک ایرانی خارج از کشور دچار مشکلی اساسی شود، سفارت چه اندازه برای حل مشکلش تلاش می‌کند؟ با احترام به دوستان وزارت خارجه، باید بگویم این بخش وزارتخانه یکی از منفعل‌ترین بخش‌ها در حوزه مهاجرت است و خدمات خاصی ندارد. قرار بود یک قانون جامع حمایت از ایرانیان خارج از کشور تصویب و اجرائی شود؛ اما دو سال شده که فقط درمورد آن صحبت می‌شود. در این دو سال ده‌ها هزار ایرانی از کشور خارج شده‌اند و هنوز هم ما در کش‌وقوس کارهای اداری هستیم. مهاجرت می‌تواند برای خیلی از کشورها دردآور باشد و متأسفانه ما جزء آن کشورها هستیم. من باز هم می‌گویم خیلی دردآور است که ما درمورد مهاجرت ورزشکاران، نخبگان، هنرمندان و پزشکان صحبت می‌کنیم. مطالعه‌ای درحال انجام است و خیلی نتایج جالبی هم داشته است. بعد از تصویب برجام یعنی در سال‌های ۹۵ و ۹۶ ما موج بازگشت متخصصان را داشتیم و حتی میزان درخواست مهاجرت‌های پناه‌جویی کاهش یافت. هر زمانی که توانستیم رونق اقتصادی ایجاد کنیم و افراد را به آینده

امیدوار کنیم، افراد ترجیح دادند در جایی که وطنشان است، می‌شناسند و به آن علاقه دارند، بمانند. مهاجرت به‌ذات پدیده بسیار هزینه‌بر و دردناکی است، وقتی عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درست عمل نمی‌کند، چرا از رفتن آدم‌ها تعجب می‌کنیم؟ آدم‌ها تلاش می‌کنند یک زندگی آرام و باثبات داشته باشند.

دکتر علی‌اکبر صالحی: نخبگان را باید در کشور نگه داریم

معاون پژوهشی و قائم‌مقام رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به بی‌توجهی برخی مسئولان نسبت به مهاجرت نخبگان، می‌گوید: پدیده مهاجرت یک پدیده خطرناک است و اگر ما نمی‌توانیم نخبگان را در کشور نگه داریم، لااقل راه آمدن نخبگان کشورهای دیگر به کشور را هموار کنیم تا به ایران بیایند.

دکتر علی‌اکبر صالحی معاون پژوهشی و قائم مقام فرهنگستان علوم،وزیر اسبق خارجه و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی با تأکید بر اهمیت برقراری روابط بین‌المللی برای کشورها، می‌افزاید: نمی‌توانیم درهای کشور را ببندیم و حتی با دارا بودن با استعدادترین انسان‌ها انتظار داشته باشیم که سقف محدود ما، وسیع شود.

وی با تأکیدبر اینکه برای دارا بودن سقف نامحدود نیازمند تعامل با دنیا هستیم، می‌گوید: تکلیف روابط بین‌الملل ما مشخص نیست، ولی توافقات اخیر با عربستان نشان می‌دهد اتفاقات و یک واقع‌نگری درحال رخ دادن است.

صالحی با اشاره به انتشار مقاله‌ای در یکی از نشریات دنیا با عنوان "با ایران چگونه رفتار کنیم"، ادامه می‌دهد: در بخشی از این مقاله آمده است تا آنجایی که می‌توان، باید برای نخبگان ایرانی ویزا صادر شود، همانطور که مشاهده می‌شود آمریکا به راحتی به نخبگان ایرانی ویزا می‌دهد. این امر موجب خواهد شد که ایران از نخبگان تهی شود، ضمن آنکه آمریکا کارنامه قطوری از ایرانیان نخبه مقیم دارد.

معاون پژوهشی فرهنگستان علوم، خاطر نشان می‌کند: در مقابل، تفکر دیگری در کشور حاکم است. به یکی از استانداردهای فرهیخته کشور گفته شد که نخبگان و پزشکان کشور درحال مهاجرت هستند و ایشان گفتند"خب بروند"!؛ زمانی که فهم و درک ما از مهاجرت در حد استاندار فرهیخته کشور به این اندازه باشد، می‌تواند خطرناک باشد.

صالحی با تأکید بر اینکه نیاز است تا اهمیت مهاجرت نخبگان از کشور برای مقامات تصمیم گیرنده تشریح شود، خاطر نشان می‌کند: اگر ما امسال گندم به میزان کافی نداشته باشیم، می‌توانیم آن را وارد کنیم، ولی اگر ۱۰۰ جراح متخصص نداشته باشیم، نمی‌توانیم آنها را وارد کنیم.

صالحی تأکید می‌کند: اگر ما نمی‌توانیم نخبگان را در کشور نگه داریم، لااقل راه آمدن نخبگان کشورهای دیگر به کشور را هموار کنیم تا به ایران بیایند. وی با تأکید بر اینکه اگر کشور از نخبگان خالی شود، ایران درست نخواهد شد.

مهاجرت ۱۶۰ متخصص قلب در یکسال گذشته

اخبار جدید مبنی بر تمایل به مهاجرت پزشکان، نگرانی‌های زیادی را در رابطه با آینده و فقدان حضور آنها ایجاد کرده است و اینکه با افزایش تمایل به مهاجرت دانشجویان پزشکی و پزشکان جوان و مهاجرت پزشکان متخصص، چه آینده‌ای در انتظار کشور و سطح بالای علم پزشکی در کشور خواهد بود.

پزشکان بزرگ زیادی در وطنمان تربیت شده و پرورش یافته‌اند. اما ظاهرا شرایط این روزها به نحوی رقم خورده که همه را از "مهاجرت دسته‌جمعی پزشکان" نگران کرده و موضوع مهاجرت پزشکان و متخصصان به یک موضوع جدید نگران‌کننده برای حال و آینده کشور تبدیل شده است.

براساس آماری که در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ منتشر شده، درظرف یک سال ۱۶۰

***دکتر ایرج فاضل رئیس جامعه جراحان ایران: بعد از انقلاب زحمت زیادی برای مملکت کشیده شدو پزشکی ما به روز و در جهان زبانزد شد. به گونه‌ای پیشرفت کردیم تا هیچ ایرانی برای درمان راهی خارج از کشور نشود و همه نوع جراحی پیچیده‌ای از قلب گرفته تا مغز و پیوند اعضا در داخل انجام شد اما درحال حاضر این وضعیت به خطر افتاده است**

متخصص قلب مهاجرت کرده‌اند؛ در همین مدت ۳۰ هزار نفر از اعضای کادر درمان از دانشکده‌های علوم پزشکی درخواست «نداشتنِ سوءپیشینه» داشته‌اند، همچنین ظرف چهار سال گذشته ۱۶ هزار پزشک عمومی از کشور مهاجرت کرده‌اند.

"محمد رئیس زاده" رئیس سازمان نظام پزشکی با صراحت می‌گوید « جامعه پزشکی در برخی رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی با کمبودهای اساسی مواجه است و از این رو

***باید منزلت اجتماعی افراد بازگردانده شود**

ممکن است در آینده فارغ التحصیلی از این رشته‌ها نداشته باشیم.

وی با هشدار نسبت به خطر عقبگرد به ۴۰ سال پیش و استفاده از پزشکان خارجی اضافه می‌کند: سیاست‌های نادرست، جوانان جامعه پزشکی را نا امید کرده و منجر به سیل مهاجرت ویا انصراف از پزشکی خواهد کرد.

سؤالاتی که در رابطه با مهاجرت پزشکان متخصص مطرح می‌شود، این است که با مهاجرت این پزشکان که چندین سال برای دریافت تخصص زحمت کشیده و جوانی خود را صرف تحصیل کرده‌اند و کشور برای پرورش آنها هزینه کرده، چه کسانی جایگزین آنها خواهند بود؟ و اینکه زمانی که این پزشکان نخبه از کشور خداحافظی می‌کنند، چند سال برای پرورش پزشکان نخبه جدید زمان و هزینه صرف می‌شود؟ آیا پزشکان متخصصی مانند قلب و عروق که در بهترین دانشگاه‌های کشور پرورش یافته‌اند و به واسطه تجربه بالای خود جان هموطنانمان را نجات داده‌اند، جایگزین مناسبی خواهند داشت؟ یا خداحافظی آنها با کشور به معنی خداحافظی مردم با یک فرد ارزشمند و نخبه است؟

بررسی‌های آماری هم نشان از بحرانی بودن وضعیت دارند. پنج سال پیش نایب رئیس انجمن جراحان قلب ایران اعلام کرده بود که فقط ۲۴۰ متخصص جراحی قلب در کشور داریم و این آمار در زمانی است که افزایش بیماری‌های قلبی یکی از موارد نگران‌کننده به‌شمار می‌رود.باید دید آیا با شرایط موجود تمایلی در میان پزشکان جوان وجود دارد که در تخصص پیچیده‌ای چون قلب و عروق ادامه تحصیل دهند؟ و اینکه آیا اصلا این پزشکان جوان در کشور می‌مانند که بخواهند به دنبال دریافت تخصص باشند؟

ایرج فاضل رئیس جامعه جراحان ایران نیز در واکنش به مهاجرت دسته جمعی پزشکان گفته است: بعد از انقلاب زحمت زیادی برای مملکت کشیده شدو پزشکی ما به روز و در جهان زبانزد شد. به گونه‌ای پیشرفت کردیم تا هیچ ایرانی برای درمان راهی خارج از کشور نشود و همه نوع جراحی پیچیده‌ای از قلب گرفته تا مغز و پیوند اعضا در داخل انجام شد اما درحال حاضر این وضعیت به خطر افتاده است.

رئیس جامعه جراحان ایران افزود: پزشکی یکی از طولانی‌ترین رشته‌ها است چنانچه عمومی ۷ سال و بعد ۲ سال طرح دارد و برای تخصص نیز ۳ تا ۶ سال و برای فوق تخصص هم همین سال‌ها باید طی شود که تقریبا یک نفر تا ۴۰ سالگی برای پزشکی باید درس بخواند و بعد از آن تحت شرایط خاص وارد چرخه فعالیت شود.

به گفته رئیس شورای هماهنگی نظام پزشکی کشور، در سال گذشته بیش از ۸۰۰ ماما به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. وی درباره مهاجرت افراد شاغل در کشور می‌گوید: دولت و مجلس باید با تامین شغل و درآمد مناسب و ایجاد امنیت شغلی مانع از خروج این سرمایه‌های ملی شوند.

مهاجرت‌ها به دانش‌آموزان رسیده است

پرونده‌های مهاجرت برای دانش‌آموزان یکی پس از دیگری در دفاتر مهاجرتی باز می‌شود و اگر تمکن مالی برقرار باشد و مسئول مربوطه پس از مصاحبه، دانش‌آموز را رد نکند، موفقیت در دسترس است. سازمان‌های مهاجرتی این روزها در کنار تبلیغات برای انواع ویزاهای دانشگاهی و کار در سایت‌های‌شان، حسابی برای مهاجرت دانش‌آموزی تولید محتوا کرده‌اند. معلم‌ها به ویژه آنها که در مدارس سمپاد یا غیرانتفاعی تدریس می‌کنند در سال‌های اخیر حتما با چند دانش‌آموز که قصد مهاجرت دارند، روبرو شده‌اند.

به گفته یکی از معلمان، خانواده‌ها فکر می‌کنند نهایتا مدرک بچه هایشان هر چه که باشد، باز ارزش چندانی نخواهد داشت و حتی نمی‌توانند با آن به کاری مشغول شوند، بنابراین به این نتیجه می‌رسد که هزینه‌های حین تحصیل در مدرسه و دانشگاه و پس از آن را برای مهاجرت هزینه کنند به این امید که از لحاظ شخصی و اجتماعی شرایط بهتری برای آنها رقم بخورد.

این کارشناس فرهنگی می‌افزاید درحال حاضر خروجی آموزش و پرورش ناامیدکننده است. به گفته وی،فعلا مهاجرت در پایه دانش‌آموزی مخصوص طبقات خاصی است و گستردگی ندارد. همانطور که در جامعه شکاف طبقاتی زیاد و آموزش طبقاتی شده و عموما دیگر رشته‌های پول‌ساز برای پولدارها مانده است. آمارها نشان می‌دهد از ۴۰ رتبه اول کنکور بخش کمی از مدارس دولتی است یا در سه هزار رتبه اول کنکور ۷ تا ۸ درصد و چه بسا کمتر از مدارس دولتی هستند. از طرف دیگر فقط آدم‌های پولدار توان فرستادن کودکان خود به مدارس خارج از کشور را دارند. او معتقد است کمترین آسیب چنین رویه‌ای، فرار سرمایه‌های مادی است و بزرگ‌ترین آسیب آن پایین آمدن

***پرونده‌های مهاجرت برای دانش‌آموزان یکی پس از دیگری در دفاتر مهاجرتی باز می‌شوند**

ذخیره هوش در کشور. متأسفانه آمار و ارقام در سال‌های اخیر هم می‌گوید که ذخیره هوش ایران و میانگین هوش ایرانیان درحال کاهش است و این روند قطعا در آینده ایران تأثیر خواهد گذاشت.

دو سال پیش،دبیر کل انجمن استعدادهای برتر ایران از مهاجرت ۸۲ تا ۸۳ نفر از ۸۶ مدال‌دار المپیادی خبر داد. کمی پیش از این صحبت‌ها خبرگزاری فارس در گزارشی به نقل از الهام یاوری، رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان و معاون وزیر آموزش و پرورش، خبر مهاجرت ۷۰ درصد از دانش‌آموزان مدارس سمپاد به خارج از کشور را اعلام کرده بود.

قدر سرمایه‌های ملی رابدانیم

مدیر یکی از مدارس تهران می‌گوید، مسائل اجتماعی و فراهم نبودن شرایط درست تحصیل و زندگی از مهم‌ترین دلایل اینگونه مهاجرت‌هاست. «آنها ترجیح می‌دهند با تمام مشکلات، وطن را ترک کنند تا بلکه شرایط رشد بهتر آنها فراهم شود. ما همواره جزو رتبه‌های نخست فرار مغزها هستیم. تعداد ایرانیان فعال در راس شرکت‌های بزرگ دنیا نشان می‌دهد که آنها پذیرای افراد نخبه، رتبه‌های برتر دانشگاه و المپیادی‌های ما برای تحصیل و اشتغال هستند. متأسفانه قدر این سرمایه‌های ملت دانسته نمی‌شود بنابراین از کشور خارج می‌شوند. وضعیت اجتماعی و علمی ما با حضور آن افراد می‌توانست بهتر باشد.

ما همچنان درگیر مسائل ابتدایی حل‌شده در دنیا هستیم ! نباید دراین وضعیت بمانیم و برای نجات یافتن از این شرایط باید اقدامات زیربنایی انجام شود. باید شرایط مناسب تحصیل نخبه‌ها،

***مدام می‌گوییم از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور استفاده کنید؛ اما بهتر این است که اول از ظرفیت ایرانیان داخل کشور به بهترین وجه استفاده کنیم، بعد به ایرانیان خارج از کشور برسیم**

برای داشتن دست‌کم یک زندگی معمولی را فراهم کنیم. زمینه‌های استفاده کامل از حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع از جمله آزادی بیان،قلم و انتخاب برای همگان فراهم شود.

با توجه به شاخص‌های جهانی، در کل مهاجرت در دنیا افزایش یافته و علت اصلی، افزایش فرصت‌ها در جهان ست. خیلی از دانشگاه‌های بزرگ دنیا، دانشجویان و استادان را تشویق می‌کنند که با همکارانشان در سایر کشورها کار مشترک انجام دهند. تفاوتش با ایران این است که متأسفانه مهاجرت‌های ما مهاجرت‌های اختیاری نیست. مهاجرت از جنس سرخوردگی و یأس است.. چند سال می‌شود که قرار است مذاکرات (برجام) به نتیجه رسیده و شرایط اقتصادی کشور به سرانجام برسد. اثرات به‌تعویق‌افتادن تکلیف مذاکرات برجام در میزان مهاجرت قابل مشاهده است. وقتی شاخص‌های میل به مهاجرت و تصمیم برای مهاجرت این‌قدر به هم نزدیک می‌شوند، به معنای آن است که میزان مهاجرت شرایط حادی پیدا کرده است. آن

***تعداد ایرانیان فعال در راس شرکت‌های بزرگ دنیا نشان می‌دهد که آنها پذیرای افراد نخبه، رتبه‌های برتر دانشگاه و المپیادی‌های ما برای تحصیل و اشتغال هستند**

هم برای کشوری مانند ایران که برای بازسازی اجتماعی و اقتصادی به نخبه‌های ورزشی، سیاسی، فرهنگی و هنری بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد. این ادبیات که «هرکه با ماست بماند، هرکس با ما نیست، برود» خطرناک است. باید برای همه ظرفیت‌های‌مان به فکر باشیم. ما در آستانه شکل‌گیری یک جامعه فراسرزمینی هستیم، جامعه‌ای که در خارج از کشور شکل می‌گیرد، دل در گرو وطن دارد؛ اما هیچ کاری نمی‌تواند برای کشور بکند. مدام می‌گوییم از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور استفاده کنید؛ اما بهتر این است که اول از ظرفیت ایرانیان داخل کشور به بهترین وجه استفاده کنیم، بعد به ایرانیان خارج از کشور برسیم. این در دنیا کم‌نظیر است که افرادی با مشاغل حرفه‌ای مثل پزشکان، در جایگاه استادی مجبور به مهاجرت اجباری می‌شوند. باید به آمار مهاجرت دقت کنیم. خوشبختانه ما کشوری نیستیم که ناامنی نظامی را تجربه کرده باشیم؛ ولی می‌توان گفت ناامنی اقتصادی و اجتماعی درحال شکل‌گیری است و تبعات آن کمترنیست..

لزوم کنترل عوامل تشدید مهاجرت

به گفته مسئول رصدخانه مهاجرت، نتیجه پنج، شش سال تمرکز روی موضوع مهاجرت نشان می‌دهد که تشدید مهاجرت نخبگان از ایران چند عامل دارد؛ اول اینکه ساختار و نهاد رسمی برای مدیریت یکپارچه سرمایه‌های انسانی در کشور نداریم. نیروهای آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی، نیروهای خوبی را شناسایی می‌کنند و پرورش می‌دهند؛ اما کسی نیست که آنها را مدیریت کند. معاونت علمی طرح مهاجرت بازگشتی را برنامه‌ریزی می‌کند، افراد را جذب می‌کند، با این حال بقیه بخش‌ها همراهی نمی‌کنند.موضوع بعدی اینکه فراتر از ساختار و برنامه، باید محیط اقتصادی و اجتماعی کشور را امن و باثبات کنیم. بعضی از دستگاه‌ها و افراد

***کمترین آسیب چنین رویه‌ای، فرار سرمایه‌های مادی است و بزرگ‌ترین آسیب آن پایین آمدن ذخیره هوش در کشور**

که می‌توانیم آنها را خودسر یا غیرخودسر بنامیم، مأموریت‌شان برهم‌زدن این ثبات و امنیت است. ما هرچه تلاش می‌کنیم مهاجرت را خوبشناخته شود، نظام‌مند شود و برای افرادی که می‌خواهند برگردند، امیدآفرینی شود، باز هم کسانی هستند که تلاش می‌کنند این اقدامات به نتیجه نرسد.

جنبه اجتماعی، مسئله مهم و پررنگی است. وقتی با نخبگان و متخصصان صحبت میشود، می‌گویند دغدغه ما فقط این نیست که در کشورهای دیگر پول بیشتری به ما می‌دهند و به خاطر آن راضی به ترک وطن می‌شویم. به نظر می‌رسد خصوصا در حوزه نخبگان، افراد مأیوس شده‌اند. منزلت اجتماعی جزء مسائل مهم و کلیدی است که همیشه به آن اشاره می‌کنند. باید منزلت اجتماعی افراد بازگردانده شود. کشور ما ظرفیت‌های زیادی داردکه باید از آنها استفاده بهینه شودتا اقتصاد جامعه رونق بگیرد و به تبع آن نشاط اجتماعی ایجاد می‌شود.سیاست بلا تکلیفی، به خصوص در برنامه‌های اقتصادی، خسارت سنگینی به کشور می‌زند وتبعات غیر قابل انکاری ایجاد می‌کند که یکی از موارد مهم آن نیز معضل مهاجرت است.

حکم بازداشت «عمران‌خان» صادر شد

رسانه‌های پاکستان اعلام کردند حکم بازداشت نخست‌وزیر سابق پاکستان بدون امکان گذاشتن وثیقه صادر شد.

به گزارش شبکه «آری نیوز» کمیسیون انتخابات پاکستان حکم بازداشت غیرقابل تبدیل به وثیقه را برای عمران خان، نخست‌وزیر سابق این کشور در رابطه با پرونده توهین عمران‌خان به کمیسیون انتخابات صادر کرده است.

عمران خان ماه گذشته در گفت‌وگو با خبرگزاری رویترز اعلام کرد که تردید ندارد در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد و به زندان می‌افتد. او در پاسخ به این پرسش که چه کسی پشت سرکوب حزب او بوده، گفته است: «این قطعاً تشکیلات ارتش است. بدیهی است که منظورم از تشکیلات، تشکیلات نظامی است؛ زیرا آن‌ها اکنون واقعاً آشکار هستند. پنهان نیستند.»

نخست‌وزیر سابق پاکستان افزوده که حدود ۱۵۰ پرونده جنایی علیه او تشکیل شده است. این همه پرونده «بیهوده» هستند و در دادگاه غیرنظامی کنار هم گذاشته شده‌اند. تنها امید آن‌ها (ارتش) به دادگاه نظامی است؛ زیرا آن‌ها مصمم هستند که من را از سر راه بردارند.

وی همچنین گفت: فکر می‌کنم که این کار را انجام خواهند داد. تمام تلاش دادگاه‌های نظامی آن‌ها بر این است که مرا زندانی کنند.

این درحالی است که پیش از این وزیر کشور پاکستان گفته بود که عمران خان به اتهام نقش داشتن در حمله‌های آتش‌سوزی سال جاری میلادی، در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد. عمران خان در ۹ می‌سال جاری میلادی، در دادگاهی در اسلام‌آباد به اتهام‌های فساد مالی بازداشت شد.

بازداشت خان سبب شکل‌گیری موجی از اعتراض‌های گسترده و خشونت‌بار هواداران وی در نقاط مختلف پاکستان شد. حکومت پاکستان در آخرین تصمیم‌اش عمران خان، بشرا بی‌بی، همسرش و ده‌ها تن از رهبران و فعالان این حزب را در فهرست شناسایی ملی موقت آژانس تحقیقات فدرال قرار داده و آنان را ممنوع‌الخروج کرد.

فرمانده یک زیردریایی روسی به قتل رسید

خبرگزاری تاس به نقل از مقام‌های امنیتی گزارش داد، فرمانده یک زیردریایی روسی و معاون بسیج نظامی در شهر کراسنودار در جنوب روسیه به ضرب گلوله کشته شد.

به گزارش خبرگزاری تاس، این مقام با نام «استانیسلاو رژیتسکی» صبح روز دوشنبه که برای دویدن بیرون رفته بود، به دست یک فرد مسلح کشته شد و پرونده جنایی مرتبط با قتل او به جریان افتاده است.

این مقام کشته شده همچنین فرمانده یک زیردریایی ناوگان دریای سیاه روسیه بود که خبرگزاری‌های آنلاین محلی در اوکراین ادعا کردند مسئول شلیک موشک‌های کروز «کالیبر» به اهداف اوکراینی بوده است.

به گزارش تاس، رژیتسکی در نیروی دریایی روسیه فرماندهی زیردریایی کراسنودار که نامش را از همین شهر گرفته، برعهده داشت. مشخص نیست که آیا او در زمانی که به قتل رسید، کاپیتان این زیردریایی بوده یا خیر.

به گفته وزارت دفاع روسیه، کراسنودار یک زیردریایی دیزلی-برقی است که برای ناوگان دریای سیاه ساخته شده و برای مقابله با کشتی‌ها و زیردریایی‌ها، مین‌گذاری‌ها و انجام عملیات شناسایی طراحی شده است.

رسانه‌های آنلاین ادعا کردند که رژیتسکی حین دویدن صبحگاهی در نزدیکی یک مجموعه ورزشی هدف اصابت چهار گلوله قرار گرفت.

براساس گزارش رسانه‌های آنلاین، او در حمله موشکی از زیردریایی به شهر وینیتسیا اوکراین در ژوئیه ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱ش) که منجر به کشته شدن ۲۳ غیرنظامی از جمله سه کودک شد، دخیل بوده است. روسیه سال گذشته تلاش کرد تا این حمله موشکی را توجیه کند و گفت که این حمله یک نشست فرماندهان نیروی هوایی اوکراین و نمایندگان تامین‌کنندگان غربی سلاح را هدف گرفته بود.